



Iran's Legislative Criminal Policy Regarding Economic Crimes (with a Brief Look at Imami Jurisprudence)

Mirmajid Taheri¹, Alireza Milani^{*2}, Karim Salehi³

1. PhD Student in Criminal Law and Criminology, Department of Criminal Law and Criminology, United Arab Emirates branch, Islamic Azad University, Dubai, UAE.

2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Islamshahr, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor of Law, Faculty of Humanities, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 673-685

Corresponding Author's Info

ORCID: 0009-0006-4105-8948

TELL: +982156363059

Email: alirezamillani@yahoo.com

Article history:

Received: 08 Aug 2022

Revised: 14 Dec 2022

Accepted: 21 Dev 2023

Published online: 20 Feb 2023

Keywords:

Legal Criminal Policy,
Economic Crimes, Iran's
Criminal System, Imami
Jurisprudence.

ABSTRACT

Economy is one of the important pillars of stability in the legal and social system of any society, and the lack of stability and health in economic relations causes many problems for governments, therefore, Iran's legislators also act on criminalization in order to create a suitable legislative fawn policy. He has committed these crimes and considered criminal action to be the most effective way to deal with these crimes. The findings of this research, which was written based on the analytical-descriptive method and the tool of data collection and library method, show that Iran's legislative criminal policy is influenced by Imami jurisprudence and some jurisprudence rules such as the harmless rule and for reasons In general, the sanctity of possessing wealth, the sanctity of extravagance and waste, the sanctity of evil acquisition, the sanctity of hard work, and the sanctity of treason have criminalized economic crimes. It has criminalized economic crimes. Unfortunately, in the Islamic Penal Code, without providing a definition and by determining a financial criterion for the amount of the crime, the crimes stipulated in the note of Article 36 have been declared as economic crimes, while it seems that economic crimes will not be exclusive to these cases. In Iran's legal system, all kinds of economic crimes, including money laundering, disruption of the country's economic system, smuggling of goods and currency, tax crimes, embezzlement, collusion in government transactions, have been criminalized, each of which has different characteristics.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Taheri, M; Milani, A & Salehi, K (2023). "Iran's Legislative Criminal Policy Regarding Economic Crimes (with a Brief Look at Imami Jurisprudence)". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(5): 673-685.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌های تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌های تطبیقی

دوره دوم، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۱

سیاست جنایی تقنینی ایران نسبت به جرایم اقتصادی (با نگاهی اجمالی بر فقه امامیه)

میرمجید طاهری^۱، علیرضا میلانی^{۲*}، کریم صالحی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد امارات متحده عربی، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات.

۲. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران. (نویسنده مسؤل)

۳. استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

چکیده

اقتصاد یکی از ارکان مهم ثبات در نظام قانونی و اجتماعی هر جامعه‌ای است و عدم وجود ثبات و سلامت در روابط اقتصادی سبب ایجاد مشکلات عدیده برای دولت‌ها می‌شود، لذا قانون‌گذار ایران نیز در راستای ایجاد سیاست جنایی تقنینی مناسب اقدام به جرم‌انگاری این جرایم کرده و برخورد کیفری را مؤثرترین راه برای مقابله با این جرایم دانسته است. یافته‌های این تحقیق که براساس روش تحلیلی - توصیفی و ابزار فیش‌برداری و گردآوری منابع با روش کتابخانه‌ای به نگارش درآمده است، نشان می‌دهد که سیاست جنایی تقنینی ایران با تأثیر از فقه امامیه و برخی قواعد فقهی همچون قاعده لاضرر و به دلایل عام حرمت اکل مال به باطل، حرمت اسراف و تبذیر، حرمت کسب خبیث، حرمت سحت و حرمت خیانت جرائم اقتصادی را جرم‌انگاری کرده‌اند. با وجود این، قانون مجازات اسلامی بدون ارائه تعریف و با تعیین یک معیار مالی در میزان موضوع جرم، جرایم مقرر در تبصره ماده ۳۶ را جرم اقتصادی اعلام نموده است و حال آنکه به نظر می‌رسد جرایم اقتصادی منحصر به این موارد نمی‌باشد. در نظام تقنینی ایران انواع جرایم اقتصادی، از جمله پولشویی، اخلال در نظام اقتصادی کشور، قاچاق کالا و ارز، جرایم مالیاتی، اختلاس، تبانی در معاملات دولتی، مورد جرم‌انگاری قرار گرفته است که هر کدام دارای ویژگی‌های متفاوتی است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۶۷۳-۶۸۵

اطلاعات نویسنده مسؤل

کد ارکید: ۸۹۴۸-۴۱۰۵-۰۰۰۶-۰۰۰۹

تلفن: +۹۸۲۱۵۶۳۶۳۰۵۹

ایمیل: alirezamillani@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۷

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

سیاست جنایی، جرایم اقتصادی، نظام کیفری ایران، فقه امامیه.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

توسعه و پویایی اقتصادی نیاز به نظم و امنیت دارد و بخشی از ضمانت اجرای نظم و امنیت اقتصادی را حقوق کیفری تأمین می‌کند، به‌همین جهت لازم است دولت‌ها برای مقابله با پدیده‌های مجرمانه اقتصادی، تدابیر کنشی و واکنشی مختلفی را اتخاذ می‌کنند تا نظم و امنیت اقتصادی برقرار گردد. گرچه در نظام حقوقی ما، قانون مستقلی برای جرایم اقتصادی وجود ندارد، اما این امر حاکی از بی‌توجهی به این‌گونه جرایم نیست. در حال حاضر که عدالت‌خواهی، شعار دولت و قوای حاکم بر کشور است، مبارزه با جرایم اقتصادی اهمیت زیادی پیدا کرده است، زیرا تحقق عدالت کیفری نیاز به توجه ویژه به این جرایم دارد و برای صیانت و حمایت از نظام اقتصادی بایستی برنامه‌ریزی‌های دقیق و علمی برای کوتاه‌مدت و درازمدت، هم از جهت اقتصادی و هم از لحاظ حقوقی صورت گیرد. تدبیر و چاره‌اندیشی اصولی سیستم تقنینی جامعه در قالب شناسایی و جرم‌انگاری اعمال مذکور به‌عنوان اولین قدم در راه مبارزه کیفری نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت جامعه در قبال این جرائم دارد (کوشا و دهقانی، ۱۳۹۶: ۸۶).

کشور ما در حال حاضر با بخش‌های اقتصادی خارجی ارتباط گسترده‌ای دارد و در این میان شکوفایی اقتصادی زمانی رخ می‌دهد که امنیت اقتصادی به‌ویژه در بخش سرمایه‌گذاری خارجی وجود داشته باشد. بی‌نظمی اقتصادی یا اختلال در آن گاهی موجب سلب امنیت و آسایش عمومی می‌شود و آثار و تبعات آن کلیت جامعه و زندگی اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد. اینجاست که برخورد قاطع و مبارزه جدی با اخلاط‌گران در نظم اقتصادی از طریق واکنش‌های کیفری و مجازات مرتکبین ضرورت می‌یابد (رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۲۱۳).

بنابراین، حفظ نظم و آرامش در جامعه و کنترل پدیده‌های مجرمانه وظیفه اساسی سیاست جنایی هر کشوری است که از نظام کیفری یا ابزارهای غیرکیفری استفاده می‌کند. در سیاق مبارزه با جرم‌های اقتصادی، محور اصلی سیاست جنایی کشور ما براساس حقوق کیفری است. این حقوق مسؤول ارباب، تنبیه و ناتوان‌سازی مجرمان در مقابل پدیده‌های مجرمانه اقتصادی می‌باشد. یقیناً اثربخشی آن

منوط به جرم‌انگاری مبتنی بر تفکر و اندیشه و آینده‌نگری است. جرم‌انگاری فرایندی است که به‌موجب آن اعمال مجرمانه باید با استانداردهای خاص و مشخص و طی یک گزینش مطلوب و پذیرفتنی تعیین شود و به شیوه‌های مفهومی جرم‌انگاری به توضیح شرایط ساختاری ویژه‌ای می‌پردازد که در آن اعمال خاصی به‌عنوان جرم پذیرفته شده و در نتیجه کنترل و مجازات می‌شوند. مبارزه با جرایم اقتصادی به‌عنوان یک مسأله پربحران و مورد بحث روز در بسیاری از جوامع، از جمله ایران، مطرح است. گاهی اوقات اخباری در مورد گسترش این جرایم در حوزه‌های مختلف اجتماعی منتشر می‌شود. باوجود علل چندگانه برای بروز این پدیده مخرب، پاسخ تنبیه‌آمیز جامعه در قالب سیاست کیفری به آن تجلی می‌یابد. این پاسخ، هرچند به‌تنهایی کافی نیست، اما نقش تعیین‌کننده در مبارزه و کنترل این اعمال جنایی را ایفا می‌کند. تدبیر و چاره‌اندیشی اصولی سیستم تقنینی جامعه، به‌عنوان اولین گام در مسیر مبارزه کیفری با این جرایم، نقش حیاتی دارد (رستان‌را و نصرتی، ۱۳۹۹: ۳۲۱-۳۲۰)؛ با این حال به عقیده برخی حقوق‌دانان، تعداد زیادی از نهادهای قانون‌گذار و منابع قانونی، مسائلی همچون مسامحه در تدوین قوانین و تعیین مفاد جرم‌انگاری، به کمبودهای سیاست جنایی ما در برابر جرایم اقتصادی اشاره دارند. در مجموع، باید توجه داشت که حفظ نظم اقتصادی موضوع اساسی سیاست جنایی تقنینی خواهد بود (حسنی و مهر، ۱۳۹۴: ۵۲). سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال جرایم اقتصادی سیاستی مبتنی بر جرم‌انگاری حداکثری و گاهی موسع است که قانون‌گذار، ابتدا قبل از هرگونه اقدامی با اعمال مجازات، سعی در کنترل بزهکاری اقتصادی دارد. به عبارت دیگر سیاست کیفری را بر سایر سیاست‌ها ترجیح داده است.

قانون‌گذار ما با همین رویکرد در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به‌عنوان اولین سند قانونی جدی در زمینه مبارزه با جرایم اقتصادی، این عنوان را استعمال نموده و با روش حصری مصادیق این دسته‌بندی از جرایم را برشمرده است. هرچند که تا پیش از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، از دیدگاه حقوق‌دانان، جرایم اقتصادی موارد اخلاط‌خرد و کلان در نظام اقتصادی و فعالیت‌های اقتصادی را دربر گرفته

البته باید این نکته را در ذهن داشت که همان گونه که برخی نویسندگان به این مطلب اشاره نموده‌اند، ارائه تعریف می‌تواند تنها در این حد راهگشا باشد که قانون‌گذار را در تعیین مصادیق مجرمانه راهنمایی کرده و به هیچ‌عنوان نمی‌تواند معیاری تلقی شود که در اختیار قضات مجریان قانون قرار گیرد تا باتوجه به آن و بدون ذکر مصادیق مجرمانه احکامی کلی را بر مصادیق بار کند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶: ۲۱۴).

برخی دیگر نیز، جرم اقتصادی را، فعل یا ترک فعل مجرمانه‌ای که علیه نظام اقتصادی کشور، یعنی نظام‌های تولیدی، توزیعی، مصرفی و پولی، در سطح کلان، صورت می‌گیرد و طبق قانون، قابل مجازات می‌باشد، تعریف می‌کنند. به عبارت دیگر، «جرم اقتصادی» رفتار مجرمانه ایست علیه نظام اقتصادی کشور که شامل نظام‌های توزیع، تولید، مصرف و پولی جامعه بوده و واجد صفت کلان‌بودن، می‌باشد و در قانون برای آن مجازات تعیین شده است. در حال حاضر، حدود دو هزار نوع جرم در چارچوب قوانین کیفری وجود دارد که بسیاری از آن‌ها می‌توانند به‌عنوان مواردی از جرایم اقتصادی محسوب شوند. با این حال، جرایم اقتصادی اصلی به شرح زیر هستند: قاچاق کالا و ارز، پولشویی، احتکار، ربا و رباخواری، رشاء و ارتشاء، اخلال در نظام پولی و یا ارزی کشور، اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی، اخلال در نظام تولیدی کشور، قاچاق میراث فرهنگی و ثروت ملی، تشکیل شرکت‌های مضاربه‌ای صوری، اخلال در نظام صادراتی کشور، تشکیل شرکت‌های هرمی، جرایم مالیاتی، جرایم مربوط به بازار اوراق بهادار (بورس) (سراج، ۱۴۰۰: ۵۷).

باید خاطرنشان کرد که با این‌که جرایم اقتصادی طیف وسیعی از جرایم را دربر می‌گیرد و از جهات بسیاری مشابه با سایر جرایم هستند، اما باید توجه داشت که تفاوت‌های عمده‌ای نیز با این جرایم دارند (برزگری و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۴۶).

که موضوع آن لزوماً اموال دولتی یا بیت‌المال دانسته نمی‌شد. در نقطه مقابل، موارد کلان فساد مالی و اداری که سبب تعرض عمده به بیت‌المال و اموال عمومی و دولتی می‌شوند، مفهوم فساد اقتصادی را به ذهن متبادر می‌نمود (دادخدایی، ۱۳۹۰: ۴۸). باتوجه به حساسیتی که در جامعه نسبت به جرایم کلان اقتصادی و فسادآمیز ایجاد شده است، توجه قانون‌گذار به این مفهوم جدید اهمیت ویژه‌ای دارد. هدف این تحقیق بررسی نقاط ضعف و قوت سیاست جنایی تقنینی ایران نسبت به جرایم اقتصادی است تا بتوان در راستای اصلاح سیاست جنایی تقنینی گام مثبتی برداشت. در این وضعیت آنچه جای سؤال دارد، این است که ضابطه دسته‌بندی و جرم‌انگاری جرایم اقتصادی در ایران بر چه مبانی استوار است؟ همچنین سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال جرایم اقتصادی چه ویژگی‌هایی دارد؟

۱- جرایم اقتصادی و مصادیق آن

جرم اقتصادی در قانون ایران برای اولین بار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در بخش قواعد عمومی مجازات بیان شد که پیش از آن اصطلاح جرایم اقتصادی تنها یک چهره قضایی و بین‌المللی داشت (آیت و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۴۳). قانون مذکور برای اولین بار طی مواد ۴۷ و ۱۰۹، با به‌کارگیری عنوان جرایم اقتصادی، این دسته از جرایم را مورد شناسایی قرار داده است. این امر گام مثبتی در راستای تدوین سیاست جنایی متناسب با این دسته از جرایم محسوب می‌شود (مؤمنی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۱۲). جرم اقتصادی جرمی است که از دایره نهادهای ارفاقی چون تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات و مرور زمان خارج است. باتوجه به این‌که این قواعد عمومی یک سلسله امور شکلی می‌باشند و متفرع بر اصل ثبوت یک ذات هستند. سؤال اساسی این است که آیا معرفی این جرم در قوانین کیفری ماهوی دلیلی بر اثبات هویت محتوایی آن است؟ به نظر برخی نویسندگان تعریف جرم اقتصادی مفاسدی به‌دنبال دارد که با اهداف قانون‌گذار سازگار نیست، چراکه باعث محصورشدن مصادیق این جرم گشته و به تبع واکنش و حتی پیشگیری از آن را تا حدودی غیرممکن می‌سازد (میرسعیدی و زمانی، ۱۳۹۵: ۱۶۷).

۲- نقد رویکرد مفهومی و وصفی سیاست جنایی تقنینی ایران نسبت به جرایم اقتصادی

در رابطه با رویکرد مفهومی باید عنوان کرد که یکی از روش‌های تعریف عناوین مجرمانه در حقوق کیفری، تعریف مفهومی است، یعنی تعریف کاملی از واژه‌ها که بتوان آن را فصل‌الخطاب قرار داد و نتوان تعریف درست و کامل دیگری ارائه داد. به این معنا که قانون‌گذار در شناسایی عنوان مجرمانه در قانون به‌گونه‌ای عمل کند که مفهوم کاملی از عنوان مجرمانه ارائه دهد، به‌طوری‌که بتوان گفت تنها همین است و بس، یعنی ارائه مفهومی از عنوان مجرمانه که برای همگان فصل‌الخطاب باشد.

با مراجعه به قوانین کیفری و بررسی مواد مرتبط با جرایم اقتصادی نمایانگر این مطلب است که هرچند قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ عنوان «جرم اقتصادی» را به رسمیت شناخته، اما تعریف ماهوی از آن ارائه نداده است، بلکه صرفاً با برشماری برخی عناوین مجرمانه که سابقاً در قوانین کیفری جرم‌انگاری شده‌اند، اقدام به وضع احکامی در قبال جرایم اقتصادی نموده است. گرچه به‌کارگیری رویکرد مفهومی در معرفی عناوین مجرمانه، به‌واسطه ارائه تعریف واضح از الفاظ و نمایان‌ساختن ذات و ماهیت رفتار مجرمانه، یکی از بهترین و کاربردی‌ترین روش‌های ارائه تعریف از جرم محسوب می‌شود، اما به این معنا نیست که این روش همیشه کارایی لازم را داشته باشد، چراکه ارائه تعریف مفهومی جامع و کامل از تمامی واژه‌ها به ویژه واژه‌های ترکیبی همیشه امکان‌پذیر نیست، لذا شاید یکی از دلایلی که قانون‌گذار از ارائه تعریف منقحی از جرم اقتصادی خودداری کرده است، ابهام در واژه‌های «جرم» و «اقتصادی» و ترکیب آن‌ها به‌عنوان «جرم اقتصادی» است، به‌گونه‌ای که امکان ارائه تعریف مفهومی واحدی که جامع و مانع باشد و تمامی مصادیق جرایم اقتصادی را دربر گیرد، وجود ندارد.

مضاف بر کلی‌بودن مفهوم «اقتصاد» که ناشی از گستردگی و پیچیدگی نظام‌های اقتصادی است، گستره رفتارهای مغایر با نظم اقتصادی و در نتیجه تنوع جرایم اقتصادی، امکان ارائه یک تعریف مفهومی جامع و مانع از جرایم اقتصادی که با

پرداختن به ماهیت جرایم اقتصادی، ظرفیت دربرگرفتن تمامی مصادیق جرایم اقتصادی را داشته باشد، با مشکل مواجه ساخته است، چراکه جرایم اقتصادی طیف وسیعی از رفتارهای مجرمانه را شامل می‌شود که بعضاً این رفتارها کاملاً متفاوت از یکدیگر هستند، ضمن این‌که ارتباط این دسته از جرایم با مفاهیم تخصصی و مبهم اقتصادی بر دشواری ارائه چنین تعریفی می‌افزاید.

علاوه بر این‌ها، پویایی ذاتی مفاهیم اقتصادی، اشکال جدیدی از فعالیت‌های اقتصادی و به تبع آن رفتارهای مجرمانه جدید اقتصادی را موجب می‌گردد که تلاش برای ارائه یک تعریف منطقی به احتمال فراوان مانع پویایی حقوق کیفری در این زمینه خواهد شد (میرسعیدی و زمانی، ۱۳۹۲: ۱۷۵).

در ادامه به نقد رویکرد وصفی سیاست جنایی تقنینی ایران نسبت به جرایم اقتصادی خواهیم پرداخت. همان‌طور که در مطلب قبل عنوان شد، توسل به رویکرد مفهومی، نمی‌تواند راهگشای بن‌بست سیاست جنایی تقنینی باشد، چون ارائه تعریفی که فصل‌الخطاب باشد، امکان‌پذیر نبوده و خود ممکن است مشکلات را بیشتر کند، لذا پیشنهاد بر این است تا از رویکرد وصفی نیز بهره‌گیری شود. تعریف وصفی معمولاً در جایی به‌کار می‌رود که با واژگانی کلی مواجه هستیم که اصالتاً مربوط به حقوق کیفری نمی‌شوند، لذا قانون‌گذار مجبور است برای معرفی آن با توسل به اوصاف بزه، وجوه تمایز این بزه با سایر جرایم را مشخص سازد (آیت و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۵۰). بنابراین در این روش، با توسل به اوصاف و ویژگی‌های بارز پدیده مجرمانه، معیارهای کلی از جرم ارائه می‌شود. این معیارها ممکن است سلبی یا ایجابی باشد (آیت و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۵۱). معیارهای ارائه‌شده، وصف مشترک مصادیق آن جرم هستند، به‌طوری‌که لازمه الحاق عمل ارتكابی به‌عنوان مجرمانه انطباق با معیارهای ارائه‌شده از آن جرم است. مزیت به‌کارگیری رویکرد وصفی از این حیث است که در شناسایی جرم به‌گونه‌ای عمل می‌شود که با استخراج معیارهای کلی از جرم، امکان تفکیک مصادیق و بازشناسی عمل مجرمانه از مفاهیم مشابه وجود دارد. به‌علاوه این روش محدودیت تعریف مفهومی را ندارد، چون با ارائه معیار امکان

خویش ذکر کند. با این حال علیرغم پایان دوران بازسازی پس از جنگ، این رویکرد در ماده ۲۰۳ قانون مجازات اسلامی همچنان به رسمیت شناخته شده است. به موجب بخشی از این ماده، اخلال در نظام اقتصادی چنانچه «به طور گسترده ارتکاب یافته و موج اخلال عمده در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی یا سبب اشاعه فساد و فحشا در حد وسیع گردد، افساد فی الارض محسوب و مرتکب به اعدام محکوم می‌شود. علاوه بر این، به موج تبصره ماده فوق‌الذکر «قصد اخلال گسترده در نظم عمومی، ایراد خسارت عمده، اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به مؤثر بودن اقدامات» برای تحقق عنوان مجرمانه افساد فی الارض ضروری است (حسینی و اسمعیل‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۱۵).

از جمله مهم‌ترین نقدهای که بر سیاست جنایی تقنینی ما وارد است، می‌توان به سردرگمی مقنن میان معیار تقابل با نظام اقتصادی و معیار کلان‌بودن جرم در تعریف جرم اقتصادی اشاره کرد. در توضیح این مطلب باید گفت، قانون‌گذار در تبصره ماده ۳۶ ق.م.ا بدون اشاره به عنوان جرایم اقتصادی، در سیزده بند جرایمی را نام برده و انتشار حکم محکومیت آن‌ها را در رسانه ملی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار الزامی اعلام کرده است. در ماده ۴۷ که به ممنوعیت تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات اختصاص دارد یکی از گروه جرایم مشمول این حکم را جرایم اقتصادی با موضوع جرم بیش از ۱۰۰ میلیون ریال عنوان کرده و در ماده ۱۰۹ که در باب عدم شمول مرور زمان است، یکی از عناوین خارج از شمول مرور زمان را در بند «ب» ماده ۱۰۹ این‌طور بیان کرده است: «جرایم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرایم موضوع تبصره ماده ۳۶ این قانون با رعایت مبلغ مقرر در آن ماده به این ترتیب دقیقاً مشخص نیست که آیا معیار اطلاق عنوان جرم اقتصادی به جرایم احصاء شده در ماده ۳۶، با توجه به مواد ۴۷ و ۱۰۹ میزان مبلغ موضوع جرم بوده است یا با توجه به به کار رفتن عبارت جرم اقتصادی در این دو ماده و اختلاف مبلغ مقرر در هر ماده باید به این نتیجه رسید که در اطلاق عنوان جرم اقتصادی مبلغ موضوعیت ندارد و مبلغ ذکر شده در این مواد تنها شرط اعمال احکام پیش‌بینی شده در

انطباق رفتارهای مجرمانه جدید با عنوان مجرمانه را میسر می‌سازد، همچون عملکرد قانون گذار در مواد ۲۷۹ (محرابه) و ۲۸۶ (افساد فی الارض) قانون مجازات اسلامی (مؤمنی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۱۹).

باتوجه به توضیحات داده شده، در جمع‌بندی نقد رویکرد مفهومی - وصفی سیاست جنایی ایران، باید عنوان کرد که قانون‌گذار در ماده ۳۶ جرایمی را ذیل عنوان «جرم اقتصادی» قرار داده (مصطفی‌پور، ۱۳۹۵: ۵۵)، علاوه بر آن موادی را در خصوص این جرایم پیش‌بینی نموده است که قاعداً باید نمایانگر قاعده‌مندی و وجود معیارهای مشترک در این جرایم باشد که آن‌ها را را ذیل عنوان «جرم اقتصادی» قرار داده است، لذا در حال حاضر در فقدان تعریف یا معیار ابراز شده از طرف مقنن، در مورد این که مقنن چه معیار و ضابطه‌ای برای شناسایی و موضوع‌سازی در حیطه جرایم اقتصادی داشته است، باید به سراغ مصادیق احصاء شده و شیوه مواجهه مقنن با جرایم اقتصادی رفت.

با مراجعه به قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و نظر به مواد مرتبط با جرایم اقتصادی، این دیدگاه القاء می‌شود که قانون‌گذار در خصوص مصادیق احصاء شده در تبصره ماده ۳۶، به دو معیار التفات داشته است: یکی تقابل با نظام اقتصادی و دیگری مبلغ موضوع جرم. با این حال این که این معیارها تا چه میزان و به چه ترتیبی در القاء عنوان «جرم اقتصادی» به جرایم ذیل تبصره ماده ۳۶ مؤثر بوده‌اند، محل تردید است.

گرایش به سخت‌گیری کیفری پیرامون فساد اقتصادی در تبدیل ماهیت اقتصادی بزه ارتكابی به جرم سیاسی با مبنا قراردادن قصد مرتکب مشهود است. با این توضیح که در هنگام تصویب قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی، ساماندهی اوضاع نابسامان کشور پس از جنگ و شرایط سخت معیشتی مردم سبب شد قانون‌گذار در پاسخ به موج معضلات اقتصادی ایجاد شده، پیش‌بینی نماید هریک از اعمال مذکور در ماده ۱ قانون در صورت وجود «قصد ضربه‌زدن به نظام، قصد مقابله با آن و یا حتی علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام»، چنانچه در حد افساد فی الارض باشد، دادگاه مجازات اعدام را در دادنامه

آن ماده است. این ابهام قانون زمینه‌ساز اختلاف نظر میان حقوق‌دانان گردیده است (باوی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۵).

به عقیده برخی از اساتید حقوق جزا، در قانون مجازات ۱۳۹۲ وصف انگیزشی ملاک و معیار استقرار عنوان جرم اقتصادی است (آیت و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۵۴). ظاهراً این عقیده از این دیدگاه نشأت می‌گیرد که اگر معیار، صرف تقابل با اقتصاد و هنجارهای اقتصادی بود، قانون‌گذار می‌توانست جرم ارتكابی را ذیل قانون مبارزه با اخلاک‌گران در نظام اقتصادی مصوب ۱۳۶۹ مطرح کند، زیرا معیار جرم‌انگاری جرایم در این قانون، وصف هنجاری بوده است، به این معنا که در این قانون، اقتصاد و هنجارهای اقتصادی، بدون ملاک‌بودن مبلغ موضوع جرم، به‌عنوان ارزش مورد حمایت قانون‌گذار تلقی شده‌اند، لذا باتوجه به مبالغ پیش‌بینی‌شده در مواد مربوط به جرایم اقتصادی در قانون مجازات و با تکیه بر معیار کلان‌بودن می‌توان گفت ملاک قرارگرفتن این جرایم ذیل عنوان «جرایم اقتصادی» در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، سطح ارتکاب جرم و میزان مالی است که مرتکب به‌دنبال آن بوده است و این سطح ارتکاب جرم در قانون با مبلغ تعیین شده است. بنابراین طبق این قانون، جرایم ذیل ماده ۳۶ با مبلغ بیش از یک‌میلیاردریال جرم اقتصادی محسوب می‌شوند. در این‌باره استدلال شده این رویکرد قانون مجازات بی‌ارتباط با سیاست و بخشنامه‌های رییس قوه قضاییه پیشین نیست، چراکه در بخشنامه رییس قوه قضاییه درخصوص جرایم کلان اقتصادی پایه جرایم اقتصادی براساس مبلغ بنا شده است و قانون‌گذار نیز از آن تبعیت کرده است (آیت و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۶۰).

موضع مقابل گفته شده است، معیار عددی که در بند «ج» ماده ۴۷ برای جرایم اقتصادی ذکر شده، مبلغی ناچیز و معادل یک‌دهم مبلغ مقرر در بند «ب» ماده ۱۰۹ است؛ این امر نشان می‌دهد که برای تشخیص جرم اقتصادی تنها مصادیق مذکور در قانون موضوعیت دارد و هیچ میزان از خسارت، ملاک تشخیص جرم اقتصادی نیست. به این ترتیب عدد مذکور در بند «ب» ماده ۱۰۹ تنها درخصوص شمول مرور

زمان موضوعیت دارد نه تعیین جرم اقتصادی (حسینی و مهرآ، ۱۳۹۴: ۶۵-۶۴).

در این‌باره باید گفت باتوجه به این‌که مصادیق احصاء‌شده برای جرایم اقتصادی، هر کدام عناوین مجرمانه مستقلی هستند که پیش از این دسته‌بندی، جرم‌انگاری شده و مجازات مقرر دارند و بعضاً در دسته‌بندی‌های دیگری که مرتبط با جرم اقتصادی هستند، قرار می‌گیرند و دیدگاه نخست نه‌تنها قابل رد نیست، بلکه جای بسی تأمل دارد، اما در وضعیت فعلی، باوجود ماده ۴۷، اعتقاد به این‌که قانون مجازات اسلامی مفهوم جرایم اقتصادی را در مورد مصادیق ذکرشده بدون لحاظ مبلغ خاصی شناسایی کرده است و احکام این دسته از جرایم از میزان مبلغ ۱۰۰ میلیون ریال و بالاتر اعمال خواهد شد، صحیح‌تر به‌نظر می‌رسد. برداشتی که با نظر در احکام قانون و نوع نگارش آن سخت می‌توان آن را قطعی دانست، لذا شفاف‌سازی آن نیاز به مداخله قانون‌گذار دارد.

شایان ذکر است قانون‌گذار در طرح قانون مبارزه با جرایم اقتصادی نسبت به رفع این ابهام اقدام نموده است و در ماده ۸ این قانون طی پیش‌بینی جرایم مشمول عنوان جرم اقتصادی، بیان می‌دارد این جرایم با رعایت مبلغ مقرر در ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی جزء جرائم اقتصادی محسوب می‌شوند. این اقدام، هرچند به وضوح مبلغ موضوع جرم را معیار در جرایم اقتصادی دانسته، اما در مرحله فعلی و در مقام طرح قانونی مطروحه، در این سند به تعارض معیار تعیین‌شده با حکم ماده ۴۷ پرداخته نشده است، چراکه اگر معیار جرم اقتصادی تلقی‌شدن جرایم احصاء‌شده در ماده ۳۶ تحقق مبلغ یک‌میلیاردریال باشد، اعمال حکم ماده ۴۷ درخصوص جرایمی که مبلغ موضوع جرم بین صد میلیون ریال تا یک‌میلیاردریال است، به استناد جرم اقتصادی‌بودن ممکن نخواهد بود.

۳- نقد رویکرد رویکرد مصداقی سیاست جنایی تقنینی ایران نسبت به جرایم اقتصادی

درخصوص عملکرد قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ می‌توان گفت، این قانون با اقتباس از اسناد بین‌المللی بدون ارائه تعریف جرم اقتصادی، در بند «ج» ماده ۴۷ و بند «ب» ماده

۴-۱- وجود مراجع متعدد قانون گذاری

وضعیتی که از تعدد مراجع قانون گذاری کیفری ناشی شده است، اولاً باعث زائل شدن معیار تخصص گرایی در وضع قوانین کیفری برای مقابله با جرایم اقتصادی گردیده، به گونه ای که عدم اطلاع و عدم کارشناسی های صحیح و بدون مطالعه از ناحیه این مراجع که صرفاً در جهت رفع و رجوع فوری و موقتی انجام می گیرد، موجب نابسامانی و نامتناسب بودن مجازات ها شده است، مانند آنچه که در ارتباط با نامتناسب بودن مجازات انفصال موقت یا دائم در بزه های ارتشاء و اختلاس شرح داده شد؛ ثانیاً تعدد مراجع قانون گذاری باعث ناهماهنگی در تصمیمات و محول نمودن وظایف تقنینی در مواقع ضروری و فضای فسادانگیز اقتصادی در جامعه، برعهده یکدیگر شده که همین امر نیز به جهت آنکه اراده مستقیم و مطلوب در نحوه مقابله با بزه اقتصادی وجود نداشته است، نهایتاً موجبات سهل گیری و بی اهمیت تلقی نمودن جرایم مالی و اقتصادی را فراهم نموده است. از طرفی دیگر، باید پذیرفت که تعدد مراجع قانون گذاری کیفری در هر نظام حقوقی، موجب تشتت آراء، تفاسیر و تعاریف مختلف، مغایر و متضاد از مبانی جرم انگاری، مبانی و مفاهیم کیفرشناسی، کیفرگذاری و شاخص های آنها می گردد. همچنین تفاوت معیارها در تعریف رفتارهای مجرمانه، از دیگر آثار تعدد مراجع سیاست جنایی تقنینی است که در نهایت، منتهی به فقدان تعادل در کیفرها گردیده است. لازم به ذکر است که علاوه بر بزه های اقتصادی، در سایر جرایم مشابه و غیرمشابه نیز، این رویه نابسامان و پر از ابهام سیاست جنایی تقنینی، تکرار شده است. به این معنی که ویژگی نامتناسب بودن مجازات ها علاوه بر جرایم اقتصادی، در اغلب رفتارهای جرم انگاری شده از ناحیه مراجع متعدد تقنینی کیفری، در نظام حقوق جزایی ایران، مشاهده می گردد (آیت و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۴۱-۲۴۰).

عامل دیگر این که، نهادهای بالادستی، مانند مجمع تشخیص مصلحت نظام که خود را نهادی ما فوق مجلس قانون گذاری محسوب می کند، وقتی در مقام سیاست گذار جنایی تقنینی، قرار می گیرد، هر قانون کیفری را که وضع می نماید، دیگر، نهاد پایین دستی مانند مجلس شورای اسلامی، حق به روزرسانی

از عبارت «جرایم اقتصادی» استفاده کرده و مصادیق این جرم را به تبصره ماده ۳۶ احاله داده است. به عبارت دیگر، قانون مذکور برای معرفی جرایم اقتصادی، از روش تبیین مصداقی استفاده کرده؛ این روش قبل از قانون مذکور در بخشنامه رییس قوه قضاییه در ارتباط با معرفی جرایم کلان اقتصادی ۷ به کار گرفته شده بود. طبق بند «ب» ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ جرایم اقتصادی عبارتست از: کلاهبرداری و جرایم موضوع تبصره ماده ۳۶ این قانون است، یعنی «الف - رشاء و ارتشاء، ب - اختلاس، پ - اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری، ت - مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری، ث - تبانی در معاملات دولتی، ج - أخذ پورسانت در معاملات خارجی، چ - تعديات مأموران دولتی نسبت به دولت، ح - جرائم گمرکی، خ - قاچاق کالا و ارز، د - جرائم مالیاتی، ذ - پولشویی، ر - اخلال در نظام اقتصادی کشور، ز - تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی.»

همان طور که مشاهده می شود، شیوه نگارش قانون و عدم استفاده قانون گذار از ادات تمثیلی، نمایانگر جنبه حصری مصداقی جرم اقتصادی است که در نتیجه این احصاء، مانع اطلاق عنوان «جرم اقتصادی» به سایر عناوین مجرمانه می شود.

۴-۲ نقد سیاست جنایی تقنینی در رابطه با تناسب مجازات در جرایم اقتصادی

عوامل متعددی مسبب وجود عدم تناسب مجازات در جرایم اقتصادی در نظام تقنینی ایران گردیده است، این عوامل مرتبط با ساختارهای سیاست جنایی تقنینی، در قبال کیفرگذاری می باشند. بدین مفهوم که معضلاتی که در تشکیلات و ساختار سیاست جنایی تقنینی وجود داشته و باعث گردیده تا مجازات ها در جرایم اقتصادی متناسب نباشد (صالح ولیدی، ۱۳۹۳: ۲۹۷). از جمله مهم ترین عواملی که می توان به آنها اشاره کرد، وجود مراجع متعدد قانون گذاری، تصدی گری دولتی در مدیریت اقتصادی و عدم تخصص گرایی در مدیریت سیاست جنایی تقنینی، اشاره نمود.

وسیع‌تری دارای اعمال قدرت و نفوذ می‌گردند» (صادق‌نژاد نائینی، ۱۳۹۶: ۲۱۳-۲۱۲). نفوذ مقامات دارای اختیارات وسیع (که در مقام مدیریت یا مالکیت از طریق رانت‌های سیاسی و اقتصادی تحصیل شده است) در نهادهای سیاست‌گذار جنایی، موجب شده است که به دلیل وجود منافع آن‌ها در فعالیت‌های اقتصادی (ولو آنکه مطابق با موازین قانونی نباشد و در محدوده بزه اقتصادی قرار بگیرد) قوانین کیفری، از آن شدت و تناسبی که لازم باشد، برخوردار نگردد. مثال روشن را می‌توان در ارتباط با قانون مبارزه با پولشویی عنوان نمود که متأسفانه علیرغم ضررهای فراوان و بی‌حد و نصاب به اقتصاد ایران و با وجود اصلاحیه این قانون در نیمه دوم سال ۱۳۹۷، همچنان، اراده مناسب در ارتباط با متناسب‌نمودن کیفرهای این بزه سازمان‌یافته اقتصادی در قانون اصلاحیه نیز مشاهده نمی‌شود که به نظر می‌رسد عمده‌ترین دلیل ساختاری آن، تصدی‌گری دولتی در اقتصاد می‌باشد (نبوی اصل، ۱۴۰۰: ۱۶۲).

بزه‌هایی مانند پولشویی، با مجازات نامتناسب و یا نقض و افشای اسرار تجاری که آن هم با مجازات حبس کوتاه‌مدت و نیز جزای نقدی پنجاه میلیون ریال همراه بوده است، نشانه‌هایی از نفوذ و دخالت مدیران دولتی در اقتصاد ایران و یا ایجاد رانت‌های اقتصادی و سیاسی می‌باشد که باعث گردیده با ضعیف‌بودن میزان مجازات در این بزه‌ها، سودهای مالی کلان و فراوانی، نصیب لایه‌های مختلف رانت‌های مدیریتی گردد. از آنجا که متولی حاکمیتی نهاد عدالت کیفری در ایران، برعهده قوه قضاییه می‌باشد و برابر قوانین اساسی و عادی، قوه قضاییه صرفاً برابر قانون و سیاست‌های کیفری تقنینی حق تصمیم‌گیری و اجرای بسترهای عدالت قضایی را دارد، اصولاً نقش کم‌رنگی در مبارزه با رانت‌های قانون‌گذاری دارد.

۳-۴- عدم تخصص‌گرایی در مدیریت سیاست جنایی تقنینی
عامل دیگری که موجب نامتناسب‌بودن مجازات‌ها در جرایم اقتصادی در حقوق کیفری ایران گردیده است، عدم تخصص و تجربه علمی و عملی در میان مدیران سیاست جنایی تقنینی، در ابعاد فراگیر آن (مراجع قانون‌گذاری متعدد کیفری)

و اصلاح آن قوانین را ندارد و در نتیجه تا زمانی که اراده مجمع محقق نشود، همچنان مجازات‌های سابق که با معیارها و شاخص‌های برحسب اقتضای زمانی، تنظیم و وضع شده است، به قوت خود باقی خواهند ماند که این امر نیز به ادامه روند فقدان تناسب در مجازات بزه‌های اقتصادی، دامن زده است، مانند جرایم ارتشاء و اختلاس درباره میزان مبلغ ربالی ارتشاء و اختلاس که در سال ۱۳۶۷ به میزان بیست‌هزار ریال و یا پنجاه‌هزار ریال، حسب مورد، معیار کیفرگذاری قرار گرفت و در حال حاضر به شدت، محل سردرگمی و ناامیدی از این وضعیت می‌باشد (مصطفی‌پور، ۱۳۹۵: ۵۶). بدیهی است صرف نظر از ایراداتی که از لحاظ سیاسی ممکن است به نمایندگان قانون‌گذاری وارد باشد، اما به دلیل آنکه این نهاد، مستقیماً با جامعه و اقتضات زمانی و به‌روزشده در ارتباط می‌باشد و در مقابل، شأن و جایگاه نهادی مانند مجمع تشخیص مصلحت نظام یا قوه قضاییه، در سطوح عالی آن، در ارتباط مستمر با جامعه نمی‌باشد، بنابراین در تشخیص و تعیین مراتب قانون‌گذاری و موقعیت‌سنجی برای تطبیق قوانین با اقتضات زمانی، مجلس قانون‌گذاری، به مراتب، صلاحیت بالاتری نسبت به این نهادها، در وضع قوانین کیفری را دارا می‌باشد. بنابراین با توجه به این عوامل، عدم تناسب مجازات‌ها و برهم‌ریختگی نظم کیفرگذاری، امری طبیعی بوده که متأسفانه تاکنون نیز هیچ‌گونه اراده‌ای در جهت حل این معضل قانون‌گذاری وجود نداشته و مشاهده نیز نمی‌شود.

۲-۴- تصدی‌گری دولتی در مدیریت اقتصادی

تصدی‌گری دولت در فعالیت‌های اقتصادی و نیز توسعه اقتصاد دولتی در نظام اقتصادی، موجب استقرار و تداوم فساد مالی و اقتصادی گردیده و در نتیجه، نفوذ ارکان مدیریت‌های دولتی در بدنه اقتصادی و تصمیم‌سازی‌ها، مانعی بزرگ در تصویب و یا اصلاح قوانین کیفری در مقابله با بزه‌های اقتصادی بوده است (صادق‌نژاد نائینی، ۱۳۹۶: ۲۱۳-۲۱۲).

در چرخه‌های مختلفی که از دخالت دولت در عرصه‌های اقتصادی به وجود می‌آید، اولین خروجی آن «منجر به گستردگی حیطه اختیارات شده و مقامات سیاسی در سطح

برای شناسایی سیاست‌های واجد این ویژگی در پی داشته است.

عوام‌گرایی کیفری هنگامی ظهور می‌کند که سیستم عدالت کیفری برای پاسخگویی به نگرانی‌های عمومی راجع به افزایش نرخ جرایم، به‌جای استفاده از راه‌حل‌های منطقی و علمی که مورد تأیید کارشناسان و نخبگان است، به راه‌حل‌های سریع و ساده که هیچ توجیه علمی ندارند، متوسل شود و عموماً برای پیشبرد هدف‌های سیاسی مستقل از احزاب و فراخوانی مردم به اعمال فشار مستقیم بر حکومت، از جمله ویژگی‌های این جریان است (الهی‌منش و تقی‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۲۲). چنین رویکردی سبب می‌شود مبنای علمی، اثربخشی و عادلانه‌بودن سیاست‌ها نادیده گرفته شده و مدیران بخش‌های مختلف دستگاه عدالت کیفری به جای یک واکنش مناسب و سازمان‌یافته در رویارویی با پدیده‌های مجرمانه، تحت فشار افکار عمومی و رسانه‌های گروهی عموماً به نشان‌دادن شدت عمل بیشتری از خود مجبور شوند تا به سهل‌انگاری در مبارزه با جرم متهم نشوند (مقدسی و فرجیها، ۱۳۹۲: ۱۱۵).

در سال‌های اخیر، مبارزه با فساد اقتصادی و جرایم اقتصادی باتوجه به شرایط اقتصادی و به‌ویژه فضای سیاسی حاکم بر کشور از مباحث مهم و حتی مطالبات اساسی مردم تلقی شده و رؤسای سه قوه و مسؤولان عالی را متوجه خود نموده است.

در این شرایط چه‌بسا هدف پاسخگویی به افکار عمومی، شیوه‌های مبارزه با جرایم اقتصادی را تحت‌الشعاع قرار داده و بستر مناسبی برای اتخاذ سیاست‌های عوام‌گرا و مقطعی فراهم نماید، البته بایستی بین معنای جرایم اقتصادی و فساد اقتصادی تفاوت قائل شد، به‌ویژه آنکه از تعبیر جرم اقتصادی نیز تاکنون در قوانین کیفری تعریف مشخصی ارائه نشده است.

تا پیش از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، از دیدگاه حقوق‌دانان، جرایم اقتصادی موارد اخلال خرد و کلان در نظام اقتصادی و فعالیت‌های اقتصادی را دربر گرفته که موضوع آن لزوماً اموال دولتی یا بیت‌المال دانسته نمی‌شد. در

می‌باشد که همین امر تبعاتی را ایجاد نموده است که در یک فرایند کلی به این آثار اشاره‌ای می‌گردد. از این نکته اساسی نباید غافل گردید که نقطه مشترک کلیه آثار و تبعات ناشی از فقدان تخصص‌گرایی در مدیریت سیاست جنایی تقنینی ایران، در یک موضوع می‌گنجد و آن، فقدان تناسب مجازات‌ها، در بزه‌های اقتصادی در حقوق کیفری ایران می‌باشد.

فقدان تخصص و تجربه در امر قانون‌گذاری کیفری در ایران، هم موجب تلاش برای سرپوش‌گذاشتن بر عدم تخصص مقامات و مراجع سیاست‌گذار کیفری با توسل به روش‌هایی مانند عوام‌گرایی کیفری گردیده و هم باعث پراکندگی قوانین کیفری، فقدان رویکرد واحد و یکپارچه در تصمیم‌گیری‌های کیفری نسبت به بزه‌های اقتصادی برای ایجاد بستر مناسب در جهت برقراری تعادل در مجازات‌ها در جرایم اقتصادی شده است. به وجود آمدن فاصله‌های زمانی طولانی بین قوانین کیفری و در نتیجه به‌وجود آمدن بی‌تناسبی در مجازات‌های وضع‌شده از دیگر آثار ناشی از فقدان تخصص در قانون‌گذاران کیفری است. وجود فواصل زمانی در قانون‌گذاری کیفری، موجب بی‌اطلاعی مقنن از ماهیت، شرایط و معیارهای قوانین کیفری سابق می‌گردد. به این مسأله، وجود چالش‌های سیاسی، عدم کارشناسی تخصصی، عدم استفاده از اطلاعات پژوهشی و نیز سواد دانشگاهی، دامن زده است (باقری‌فرد و رضایی، ۱۳۹۷: ۱۰۸).

عدم کاربرد علوم جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی جنایی، کیفرشناسی و سایر علوم جنایی در قانون‌گذاری نیز، به وضعیت نابسامان بی‌تناسبی مجازات‌ها، افزوده است.

۵- نفوذ رویکرد عوام‌گرایی کیفری در سیاست جنایی تقنینی ایران نسبت به جرایم اقتصادی

از عوام‌گرایی کیفری به‌عنوان ارائه پاسخ‌های ساده برای حل مشکلات پیچیده اجتماعی و مجرمانه یاد می‌شود. عدم توجه عوام‌گرایی کیفری به یافته‌های علمی، باعث شده که در این رویکرد، سیاست‌های موقتی و تبلیغاتی بر سیاست‌های علمی برتری یابند، پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه عوام‌گرایی کیفری در نظام‌های کیفری مختلف، داده‌های ارزشمندی را

روشنی نیز از این واژگان وجود ندارد (فرجیها و مقدسی، ۱۳۹۲، ۱۱۰۰).

نفوذ عوام‌گرایی کیفری به حوزه مبارزه با فساد اقتصادی سبب می‌شود، سیاست‌زدگی اقدامات بر مؤثر و کارابودن آن غلبه کرده و تأکید نمادین بر مبارزه با این پدیده جایگزین شیوه‌های سنجیده و علمی شود. با این حال، آنچه سبب عوام‌گرا تلقی شدن سیاست‌گذاری‌ها می‌شود، نه صرف پاسخگویی به آحاد جامعه، بلکه استفاده از شعار مبارزه با فساد به‌منظور کسب جایگاه سیاسی و یا مشروعیت‌بخشیدن به اقدامات در افکار عمومی است. بنابراین هر اندازه که بسترهای جرم اقتصادی فراهم‌تر باشد، سیاست جنایی تقنینی بر شدت کیفرها و عدم رعایت تناسب مجازات‌ها (در قسم تشدید کیفرها) اصرار خواهد ورزید و هر اندازه، زمینه‌های بزه‌های اقتصادی و نفوذ آن مسدود گردد، هم جرم‌انگاری و تورم کیفری کاهش پیدا خواهد کرد و هم کیفرها براساس واقعیت و تخصص‌گرایی متناسب خواهد گردید (ابراهیمی و صادق‌نژاد نایینی، ۱۳۹۲: ۱۶۲-۱۶۱).

نتیجه‌گیری

براساس مطالعات صورت‌گرفته مشخص شد که در سیاست جنایی تقنینی ایران، تعریف جامع و مانع از جرایم اقتصادی وجود ندارد و در زمینه تعریف وصفی نیز به‌دلیل سردرگمی میان وصف یا معیار تقابل با نظام اقتصادی و معیار کلان‌بودن، قابل انتقاد است. همچنین عملکرد قانون‌گذار در احصای مصادیق که ناشی از تمرکز قانون‌گذار بر رفتارهای مجرمانه‌ای است که در حال حاضر امکان وقوع آن وجود دارد، با کاستی‌هایی همراه است که همین مسأله سبب مشکلات عدیده‌ای در مقابله با این جرایم شده است. از آن جمله می‌توان به ابهام در مصادیق و جامع‌نبودن و مانع‌نبودن آن‌ها اشاره کرد. در احصاء مصادیق، تأکید مقنن بر جرایم فسادآمیز، آن‌هم در بخش دولتی بوده است و از جرایم بخش خصوصی غفلت شده است. همچنین یک‌سری از جرایم که آشکارا جرم اقتصادی هستند نیز چه دولتی و چه خصوصی، مغفول واقع شده‌اند، ازجمله جرایمی همچون رانت‌خواری، جرایم بورسی، جرایم بانکی و... در مجموع باید عنوان کرد

نقطه مقابل، موارد کلان فساد مالی و اداری که سبب تعرض عمده به بیت‌المال و اموال عمومی و دولتی می‌شوند، مفهوم فساد اقتصادی را به ذهن متبادر می‌نمود (مهدوی‌پور، ۱۳۹۵: ۱۲۵).

معیارهای فوق، اگرچه جهت تفکیک فساد اقتصادی از جرم اقتصادی تا حدودی راهگشا به مقصود بود، اما تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، اعتبار چنین استدلالی را بیش از پیش تقویت می‌نماید. این تبصره علیرغم عدم به‌کارگیری تعبیر جرایم اقتصادی توسط قانون‌گذار، در مقام بیان مصادیق جرایم مزبور بوده و بند «ج» ماده ۴۷ و ماده ۱۰۹ قانون فوق نیز گویای صحت این ادعاست.

مقرر نمودن حد نصاب یک‌میلیاردریال و بیش از آن در تبصره ماده ۳۶ ق.م. و ماده ۱۰۹ برای انتشار احکام محکومیت قطعی و عدم شمول مرور زمان در جرایم اقتصادی و همچنین مبلغ بیش از صد میلیون ریال برای ممنوعیت تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات، نشانگر پذیرش نظریه غالب مبنی بر امکان تحقق جرایم اقتصادی در سطح خرد و کلان و اما قائل شدن به تدابیر سخت‌گیرانه‌تری در جرایم با حد نصاب‌های مذکور است، هرچند ذکر جرایم رشاء، ارتشاء، اختلاس و اعمال نفوذ برخلاف حق، در زمره جرایم اقتصادی ابهام‌برانگیز است. در واقع ویژگی بارز جرم اقتصادی، ارتکاب آن به مناسبت و یا حین ارتکاب یک فعالیت اقتصادی و مالی است که بزه‌دیده آن اقتصاد عمومی است. از این رو به‌شمار آوردن مصادیق مزبور در گروه جرایم اقتصادی سبب اختلاط این دسته از جرایم با مصادیق فساد مالی اداری و فساد اقتصادی خواهد شد. با این توضیح که بند «الف» ماده ۱ قانون ارتقای سلامت اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰ ضمن ارائه مفهومی گسترده از فساد، جرایم رشاء، ارتشاء و اختلاس را از جمله مصادیق فساد دانسته و حتی برخلاف سابق در بند «د» ماده ۲ دامنه آن را به اشخاص حقوق خصوصی تسری داده است. از این رو به‌نظر می‌رسد علیرغم به‌کارگیری تعبیر مختلف در قوانین کیفری، در حقیقت سیاست‌گذاران تقنینی معیار ویژه‌ای برای تفکیک آن‌ها در نظر نگرفته و تعریف

حرمت اخلال نظام و یا غصب ثابت شود، از طریق تعزیر مشدد مجازات می‌شود. در مورد اختلاس در بعض روایات اشاره به قتل با شمشیر شده است. در بعضی روایات از طریق اهل سنت، غرامت مالی آمده است.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

- ابراهیمی، شهرام و صادق‌نژاد نائینی، مجید (۱۳۹۲). «تحلیل جرم‌شناختی جرایم اقتصادی». فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۲(۵): ۱۴۷-۱۷۴.

- الهی‌منش، محمدرضا و تقی‌زاده، محرم (۱۳۹۷). «سیاست عوام‌گرایانه در مبارزه با جرایم اقتصادی با تأکید بر نقش پلیس». فصلنامه کارآگاه، ۳(۴۳): ۱۲۰-۱۳۴.

- آیت، سیدعلیرضا؛ پاکزاد، بتول؛ عالی‌پور، حسن و صابر، محمود (۱۳۹۸). «توجیه رسیدگی افتراقی برای جرایم اقتصادی: تهدید جرم یا خطر مرتکب؟» فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۸(۲۸): ۲۳۹-۲۶۷.

- باقری‌فرد، علی اشرف و رضایی، شهلا (۱۳۹۷). «علل ارتکاب جرایم اقتصادی و راه‌های پیشگیری از آن». نشریه مطالعات نوین بانکی، ۱(۱): ۱۰۷-۱۳۱.

- باوی، علیرضا؛ گلدوست جویباری، رجب و غلامی، حسین (۱۳۹۹). «آسیب‌شناسی سیاست کیفری ایران در حوزه جرایم

که سیاستگذار تقنینی استفاده از ابزار کیفر به ویژه در شرایط بحرانی را آسان‌ترین راه رسیدن به نظم اقتصادی دانسته است. از این رو جرم‌انگاری و تعیین عناوین مجرمانه با توجه به وقایع و رویدادهای پیش‌آمده در جامعه، از جمله نشانه‌های پاسخ‌های عوام‌گرایانه در این حوزه است. در قلمرو حقوق جزای ماهوی، ضمانت‌اجراهای کیفری دچار تشتت و بی‌نظمی بوده و تناسب جرم با ماهیت مجازات مورد لحاظ قرار نمی‌گیرد، درحالی‌که نسبت به برخی جرایم اقتصادی در رویکردی امنیت‌گرا مجازاتی همچون اعدام در نظر گرفته شده، در برخی موارد دیگر مانند پولشویی به علت عدم توجه افکار عمومی به ماهیت جرم و آثار آن، کیفرهای قانونی بیش از حد ضعیف و غیرمتناسب تعیین شده است که این موضوع می‌تواند زمینه‌ساز افزایش آمار این جرایم گردد.

در اسلام جرائم اقتصادی براساس میانی مصلحت، اقامه امر الهی، رفع فقر، رعایت عدل و قسط اقتصادی و وجوب اقامه قسط الهی، ایجاد امنیت اقتصادی جرم‌انگاری می‌شود که مصلحت شاخه‌های متعددی دارد و شامل جلوگیری از فساد، دفع ضررهای محتمل بر جامعه، ضرورت، رفع فقر، حفظ نظم اقتصادی است. مستندات عام بر جرم‌انگاری جرائم اقتصادی، حرمت ظلم و اکل مال به باطل، حرمت اسراف و تبذیر، حرمت خیانت، وجوب دوری از کسب خبیث، حرمت سحت و حرمت اعانه بر اثم است و مستندات خاص جرم‌انگاری جرائم اقتصادی شامل حرمت ربا، حرمت کم‌فروشی، اخذ پورسانت، ممنوعیت رشوه، ممنوعیت اکتناز، احتکار، حرمت قمار، رشوه، حرمت ضرب سکه مغشوش، حرمت غرور، حرمت منع خمس و زکات، ممنوعیت اختلاس از بیت‌المال، حرمت بعضی از عقود مشارکتی است. سیاست اسلام در برابر جرائم اقتصادی مبتنی بر سخت‌گیری است که قابل قبض و بسط است، یعنی توسط قاضی متناسب با شرایط زمان و مکان تغییر در چارچوب تعیین‌شده توسط شرع را دارد، لذا شیوه‌های مقابله اسلام با جرائم اقتصادی شامل تازیانه، حبس، تشهیر و حتی در مواردی دستور قتال و جهاد داده شده است و در اسلام روی برگرداندن حقوق تأکید زیادی وجود دارد تا اجرای مجازات در حق مجرم اقتصادی. جرائمی نظیر اخذ پورسانت و پولشویی در متون اسلامی نیامده و اگر حرمت آن به دلیل

- اقتصادی». نشریه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۱۶(۴۳): ۱۱-۳۲.
- برزگری، فروغ؛ عباسی، اصغر؛ اسماعیلی، مهدی و حاجی تبار فیروزجائی، حسن (۱۴۰۱). «بررسی بنیادهای کیفری تشدید در قلمرو جرایم اقتصادی». *مطالعات فقه اقتصادی*، ۴(۱): ۲۳۹-۲۵۷.
- حسینی، جعفر و مهرا، نسربین (۱۳۹۴). «نقدی بر مفهوم جرم اقتصادی در قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)». *مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۲(۳-۲): ۴۵-۶۹.
- حسینی، سیدحسین و اسمعیل‌زاده، لیدا (۱۳۹۳). «جنبه‌های عوام‌گرایی سیاست کیفری ایران در قبال فساد اقتصادی». *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۱۴(۵۴): ۲۰۱-۲۴۱.
- دادخدایی، لیلیا (۱۳۹۰). *فساد مالی - اداری و سیاست جنایی مقابله با آن با تکیه بر کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد*. تهران: انتشارات میزان.
- رحیمی‌نژاد، اسماعیل (۱۳۹۲). *نگاهی بر محدودیت‌ها، موانع و نواقص قانونی کنترل جرائم اقتصادی در ایران، دایره‌المعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)*. چاپ اول، کتاب دوم، تهران: انتشارات میزان.
- رستان‌راه، بابک و نصرتی، یزدان (۱۳۹۹). «سازوکارهای حقوقی در مقابله با جرایم اقتصادی در عرصه بین‌الملل و مسؤولیت دولت در این راستا». *قانون یار*، ۴(۱۵): ۳۱۷-۳۵۰.
- سراج، ناصر (۱۴۰۰). «جرایم اقتصادی سازمان‌یافته و تأثیر آن بر نظام اقتصادی کشور (مطالعه موردی: پرونده فساد بانکی سه‌هزار میلیارد تومانی)». *فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی*، ۴(۱۱): ۵۵-۸۲.
- صادق‌نژاد نائینی، مجید (۱۳۹۶). «تحلیل جرایم شرکتی در پرتو نظام‌های اقتصادی». *مجله حقوقی دادگستری*، ۸۱(۹۹): ۲۰۱-۲۲۷.
- صالح‌ولیدی، محمد (۱۳۹۳). *حقوق کیفری اقتصادی*. چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.
- فرجیها، محمد و مقدسی، محمدباقر (۱۳۹۲). *پاسخ‌های کیفری عوام‌گرایانه به مفاسد اقتصادی دایره‌المعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)*. کتاب دوم، تهران: انتشارات میزان.
- کوشا، جعفر و دهقانی سانج، محمد (۱۳۹۶). «سیاست جنایی در جرایم اقتصادی». *مجله دانش حقوق و مالیه*، ۱(۲): ۸۵-۱۰۱.
- مصطفی‌پور، منوچهر (۱۳۹۵). «بررسی جرایم اقتصادی در ایران و راه‌های پیشگیری از آن‌ها». *مجله اقتصادی*، ۱۶(۳): ۵۳-۷۶.
- مقدسی، محمدباقر و فرجیها، محمد (۱۳۹۲). «ویژگی‌های سیاست‌های کیفری عوام‌گرا؛ مطالعه تطبیقی». *دو فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی*، ۴(۲): ۱۳۷-۱۵۵.
- مهدوی‌پور، اعظم (۱۳۹۵). *سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی*. تهران: انتشارات میزان.
- مؤمنی، هادی؛ روح‌الامینی، محمود و ساعد، محمدجعفر (۱۴۰۱). «سیاست جنایی ایران در جرایم اقتصادی». *فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی*، ۴(۲): ۱۰۹-۱۲۷.
- میرسعیدی، سیدمنصور و زمانی، محمود (۱۳۹۲). «جرم اقتصادی؛ تعریف یا ضابطه؟». *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ۲(۴): ۱۶۷-۱۹۹.
- نبوی اصل، یوسف (۱۴۰۰). «تحلیل سیاسی جنایی قانون‌گذار در کنترل جرایم اقتصادی». *مطالعات علوم اجتماعی*، ۷(۱): ۱۵۲-۱۶۴.
- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۸۶). *خلاصه تقریرات حقوق کیفری اقتصادی*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.